

# بررسی رابطه رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان

دکتر عبدالحمید رضوی<sup>۱</sup>

دکتر میترا محمودی<sup>۲</sup>

محبوبه رحیمی<sup>۳</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان طراحی و اجرا شد. جامعه آماری شامل ۹۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر از دوازده مدرسه ابتدایی شهر ارسنجان در سال ۸۵-۸۴ بود. نمونه پژوهش طبق جدول مورگان تعداد ۲۵۰ نفر (۱۵۰ دختر و ۱۰۰ پسر) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، به علاوه تعداد ۲۵۰ نفر از مادران و ۲۵۰ نفر از معلمان در این تحقیق حضور داشتند. در این پژوهش پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی اینریچ و سبک‌های فرزندپروری دروزو تی هن بین مادران توزیع شد و پرسش‌نامه مشکلات رفتاری راتر در اختیار معلمان قرار گرفت. در این تحقیق پنج فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، رابطه معنادار و معکوس بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری مسئولانه با مشکلات رفتاری را تأیید کرد، همچنین رابطه معنادار بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین و مشکلات رفتاری فرزندان را نشان داد. در بررسی تفاوت بین نوع سبک‌های فرزندپروری و میزان مشکلات رفتاری فرزندان، تفاوت معنادار تأیید شد، اما در بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری سختگیرانه و مشکلات رفتاری فرزندان، نتیجه معکوس گرفته شد و فرضیه مورد نظر تأیید نشد. با توجه به اطلاعات حاصل می‌توان گفت که اختلافات زناشویی والدین و تعارضات خانوادگی و استفاده از سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده قوی مشکلات رفتاری در کودکان است و شیوه مسئولانه حاکی از روش صحیح تربیتی است که از بروز مشکلات رفتاری در فرزندان جلوگیری می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت زناشویی، سبک‌های فرزندپروری، مشکلات رفتاری.

۱- پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد

### مقدمه

کودکان و نوجوانان قشر عظیمی از جمعیت هر کشور، خصوصاً جامعه ما را تشکیل می‌دهند. آنان سرمایه‌های پر ارزش جامعه و امیدهای درخشان مملکت تلقی می‌شوند و عامل مهمی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می‌روند و از آنها انتظار می‌رود که در آینده‌ای نه چندان دور مسئولیت عظیم و سنگین اداره مملکت خود را عهده‌دار گردند. اغلب اختلال‌ها و ناسازگاری‌های رفتاری بعد از دوران کودکی، ناشی از کمبود توجه به دوران مهم و حساس کودکی و عدم هدایت صحیح به سوی رشد و تکامل است، این بی‌توجهی منجر به عدم سازش و انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف برای کودک می‌شود (نجاتی، ۱۳۷۹: ۲۹).

بنابراین خانواده در تعلیم و تربیت کودکان نقش بسیار مهمی به عهده دارد. از سوی دیگر روابط بین پدر و مادر می‌تواند رضایت‌بخش و یا غیر رضایت‌بخش باشد. رضایت از زندگی زناشویی به ایجاد محیط عاطفی سالم و مناسب برای رشد و نمو فرزندان منجر می‌شود و طبعاً این رضایت می‌تواند در تعامل بین فرزندان و والدین مؤثر باشد. به عبارت دیگر، خانواده و کیفیت مناسبات والدین آن یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز مشکلات رفتاری فرزندان است و عدم سازش بین پدر و مادر از مهم‌ترین علل بروز مشکلات رفتاری فرزندان شمرده می‌شود.

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین رضایت زناشویی<sup>۱</sup> و سبک‌های فرزندپروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی از طریق پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

- آیا بین رضایت زناشویی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین میزان مشکلات رفتاری فرزندان با توجه به شیوه‌های مختلف فرزندپروری والدین (مسئولیت‌پذیری، سلطه‌گری و سهل‌گیری) تفاوت وجود دارد؟

### پیشینه مطالعات انجام‌شده

رابطه بین کودک و والدین را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از عوامل و بخش‌هایی دانست که در تعامل با یکدیگرند. در سال‌های اولیه زندگی تنها رابطه

1- marital satisfaction

موجود برای کودک، رابطه او با والدینش است. کنش متقابل و رابطه عاطفی بین نوزاد و والدین به انتظاراتها و واکنش‌های کودک در روابط اجتماعی آینده شکل می‌دهد. اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی توسط والدین، پالایش و به صورتی منسجم به کودک ارائه می‌شوند. شخصیت‌ها، نگرش‌ها، طبقه اجتماعی - اقتصادی، عقاید مذهبی، تحصیلات و شغل پدر و مادر، در ارائه ارزش‌های فرهنگی و معیارهای آن بر فرزند تأثیر می‌گذارند (بلوم و مهرابیان ۱۹۹۳: ۹۳). خانواده، کودک را برای قبول مسئولیت آگاه می‌سازد؛ به افکار، عواطف، اراده و فعالیت وی شکل خاصی می‌بخشد و او را اجتماعی می‌سازد؛ بدین معنا که از طریق الگوگیری و تمرین به او می‌آموزد که چگونه خود را با هنجارهای اجتماعی منطبق سازد (احدی، ۱۳۸۳: ۵۳).

تأثیر خانواده بر فرایند «تحول» چنان بارز است که با وجود اختلاف موجود بین صاحب‌نظران روان‌شناسی، در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر تحول، نقطه‌نظر مشترکی دارند. اکثر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان‌شان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (برومندنسب، ۱۳۷۶: ۱۰۷). بر این اساس متخصصان، الگوهای متنوعی در خصوص ارتباط والدین و کودکان‌شان مطرح کرده‌اند؛ مثلاً سیرز، مک کویی و لوین<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) به این نتیجه رسیده‌اند که دو بُعد از رفتار والدین، یعنی پذیرش در برابر طرد و سخت‌گیری در برابر آسان‌گیری، در ارتباط با فرزندان‌شان از اهمیت برخوردار است (بحرینی، ۱۳۷۹: ۸۴). از سوی دیگر، نگاهی به وضعیت خانواده‌ها در کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا نشان می‌دهد که اکثر قتل‌ها ریشه خانوادگی دارد. میزان زدوخوردهای خانوادگی و طلاق به شدت روبه افزایش است. فحاشی، ضرب و شتم و به عبارت دقیق‌تر خشونت در خانواده به صورت یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های اجتماعی درآمده است (صالحی فدردی، ۱۳۷۸: ۱۸). بنابراین از آن جهت که روابط میان زن و شوهر در سلامت روانی و رفتاری آنان تأثیر دارد و از سوی دیگر چگونگی روابط میان همسران در سلامت عاطفی فرزندان نقش دارد و نابه‌سامانی‌های خانواده با کجروی‌های اجتماعی در ارتباط است، انجام پژوهش‌هایی از این دست مورد توجه قرار گرفته است (فولادفر، ۱۳۷۳: ۵۷).

---

1- Sears, McCoy & Levin

افرادی چون فروید، اریکسون<sup>۱</sup>، بالبی، پیاژه<sup>۲</sup>، ویگوتسکی<sup>۳</sup> و اسکینر<sup>۴</sup> معتقدند کودک در تعامل با محیط خود رشد می‌کند. اولین تماس‌های کودک در محیط، با والدین خویش است و والدین برای او منبع غذا، عشق و آسایش هستند. کیفیت این تعامل، زمینه‌ساز اصلی شکل‌گیری احساس ایمنی در کودک است که پیامدهای گوناگونی در پی دارد (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۹).

در یک بررسی پارکر<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) نشان داد افرادی که نیازهای دوره کودکی‌شان به گونه‌ای مناسب ارضا نشده باشد، به هنگام وقوع فقدان‌ها احتمال بیشتری وجود دارد که دچار افسردگی شوند. در این افراد، سبک والدین آن‌ها به صورت یک شیوه مهار فاقد احساس، یعنی ملغمه‌ای از کم‌توجهی و بیش‌حمایت‌گری بوده است. براساس بررسی پترسن<sup>۶</sup> (۱۹۸۲)، تداوم پرخاشگری در کودکان ناشی از تعامل‌های آنان با والدین‌شان است (بحرینی، ۱۳۸۴: ۳۲).

از دیدگاه واترمن<sup>۷</sup> (۱۹۸۲) اشخاصی که در خانواده‌هایی قرار دارند که والدین آسان‌گیر، مسامحه‌کار یا طردکننده دارند، غالباً دارای هویت آشفته‌اند یا این‌که در حل موفقیت‌آمیز بحران هویت خود دچار مشکل هستند. هم‌چنین دیویس و کامینک<sup>۸</sup> (۱۹۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افراد دارای حالت آشفته، بیشتر، از خانواده‌های طردکننده و از هم پاشیده هستند و غالباً در این خانواده‌ها، پدر در اثر جدایی یا طلاق حضور ندارد (خواجه‌پور، ۱۳۸۴: ۳۸).

مک کورد و همکارانش در تحقیقات خود دریافتند که در میان خانواده‌های طبقه کارگر، فرزندان نرمال و مطمئن به خود، متعلق به خانواده‌هایی بودند که مادر خانواده انعطاف‌پذیری داشت. در مقابل، پسرهایی که از مکانیسم تخلیه‌سازی استفاده می‌کردند به خانواده‌هایی تعلق داشتند که پدر یا مادر آن‌ها روی فرزندان، یا کنترل نداشتند یا بیش از حد آنها را کنترل می‌کردند، در نتیجه کودکان رفتار پرخاشگرانه زیادی نشان می‌دادند (گلشن ابراهیمی، ۱۳۵۹: ۳۸).

---

1- Erickson  
2- Piaget  
3- Wigoteske  
4- Skinner  
5- Parker  
6- Peterson  
7- Waterman  
8- Davis & Cumming

پترسون و زیل<sup>۱</sup> در پژوهش خود به یک رابطه خطی بین کنترل والدین و مشکلات رفتاری فرزندان دست یافت. او نتیجه گرفت که کنترل کم و یا زیاد نامناسب، با مشکل رفتاری مرتبط است (پترسون و زیل: ۱۹۸۶، ۱۲۵). در مورد سهل‌گیری یا استبدادی عمل کردن والدین فراری، و الیوت<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) ۸۶ دختران نوجوان با میانگین سنی ۱۹/۱ سال را به منظور ادراک آن‌ها از شیوه‌های فرزندپروری والدین و ارزیابی آن‌ها از عدم تصمیم‌گیریشان، مورد بررسی قرار دادند. دخترانی که هر دو والدین را به عنوان زیاد مستبدانه درک می‌کردند، خود را فاقد توانایی تصمیم‌گیری ارزیابی کردند، تا دخترانی که هر دو والدین را روی بُعد مستبدانه پایین ادراک می‌کردند. دخترانی که والدینشان را روی بُعد قاطع و اطمینان‌بخش یا روی بُعد سهل‌گیرانه بالا و پایین ارزیابی می‌کردند، در گزارش‌های خود از عدم توانایی تصمیم‌گیری، تفاوت معناداری نداشتند (فراری و الیوت، ۱۹۹۳: ۴۳). ماتسون<sup>۳</sup> (۱۹۷۴) در پژوهش‌هایش به این نتیجه رسید که با افزایش تعارضات زناشویی عزت‌نفس کودکان کاهش می‌یابد و عزت‌نفس مثبت کودک، با رضایت زناشویی زوجین در ارتباط است. هم‌چنین سترمن و میشل<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) طی پژوهش‌های خود نشان دادند که بین سازگاری زناشویی والدین و عملکرد رفتاری بچه‌ها در مدرسه ارتباط وجود دارد (کاشف‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

پژوهش‌های زیادی از جمله پژوهش گریک و فینچام<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) و فلاهرتی و مسترز<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) حکایت از آن دارد که تعارضات و فشارهای روانی خانوادگی با خلق‌وخوی نوجوانان رابطه دارد، چنان‌که ادراک نوجوانان یا کودکان به طور کلی از تعارض‌ها به شکل تهدید جدی دریافت شود، به‌سادگی می‌توان اضطراب، افسردگی و یا حتی واکنش‌های روان‌تنی را انتظار داشت (فلاهرتی و مسترز، ۲۰۰۰: ۴۱۲). به نظر بشردوست، این نوع مشکلات به سادگی قادر است اعتماد به نفس و سازگاری و حتی تسلط بر خود را در فرزندان خانواده دچار اشکال جدی کند (بشردوست، ۱۳۷۳: ۵۵).

در ایران در تحقیقی که توسط مکارمی (۱۳۶۵) با عنوان «بررسی رابطه بین تجارب دوران کودکی یا بلوغ» روی ۳۶۵ دانش‌آموز دبیرستانی انجام گرفت، نوجوانانی که در

1- Peterson &amp; Zill

2- Ferrari &amp; Olivet

3- Matson

4- Seterman &amp; Michele

5- Gerick &amp; Finchame

6- Flaherty &amp; Masters

دوران کودکی مورد تنبیه و مجازات بدنی قرار گرفته‌اند، بیش از سایر نوجوانان با والدین خویش نزاع می‌کنند و ناسازگاری نشان می‌دهند. برجعلی (۱۳۸۰) در پژوهش خود بیان کرد که نوجوانانی که والدین مستبد دارند، کمتر از آن‌هایی که والدین مقتدر دارند، سازگاری نشان می‌دهند. در عین حال، نوجوانانی که والدین مستبد دارند در مدرسه عملکرد بهتری نسبت به نوجوانانی که والدین بی‌توقع دارند نشان می‌دهند و احتمال کمتری برای رفتار ضداجتماعی آن‌ها وجود دارد (زحمتکشان، ۱۳۸۴ : ۴۹).

یاسینیان در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه تعارضات والدین و مشکلات رفتاری پسران ده تا دوازده ساله شهرستان دماوند»، ۶۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر دبستانی را مورد بررسی قرار داد. او نتیجه گرفت که بین متغیرهای نظم و انضباط و خیال‌بافی، کمروبی، بی‌دقتی، تقلب، دزدی و گفتن کلمات زشت رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین متغیرهای افسردگی، پرخاشگری، مسئولیت‌پذیری، گوشه‌گیری، زورگویی، دروغ‌گویی، غیبت، تأخیر، ضعف درسی و تعارضات والدین رابطه معنادار وجود دارد (تیموری، ۱۳۸۳ : ۳۵).

در پژوهشی که توسط احدی (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی رابطه رضامندی زناشویی، ابراز هیجان والدینی و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان» انجام شد، این نتیجه حاصل شد که همبستگی معناداری بین ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودک وجود دارد. هم‌چنین رضامندی زناشویی با نحوه ابراز هیجان پدر به کودک همبستگی معنادار دارد. از زمانی که رضامندی زناشویی بین زوجین پایین می‌آید، ابراز هیجان منفی پدر به کودک افزایش می‌یابد، ولی با افزایش رضامندی زناشویی، پدیده‌های مثبت بیشتری به کودک ابراز می‌نماید. در این پژوهش نشان داده شد که متغیرهای رضامندی زناشویی با مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان ارتباط معناداری دارند. رضامندی زناشویی بالا، رابطه غیرمستقیم و رضامندی زناشویی پایین، رابطه مستقیمی با مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان دارد (احدی، ۱۳۸۳ : ۴۴).

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی است و در آن از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است.

### جامعه آماری و نمونه مورد مطالعه

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه ۹۳۰ نفر دانش‌آموز پسر و دختر مدارس ابتدایی شهر ارسنجان تشکیل می‌دهد.

نمونه آماری این پژوهش تعداد ۲۵۰ دانش‌آموز است که از این تعداد ۱۵۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر از دوازده مدرسه ابتدایی کل شهر بودند که به صورت تصادفی ساده از بین دانش‌آموزان مدارس انتخاب گردید. این تعداد تقریباً سی درصد کل جامعه آماری است.

### ابزار جمع آوری اطلاعات

پرسش‌نامه سنجش رضایت زنانشویی :

به منظور اندازه‌گیری رضایت زنانشویی از مقیاس رضایت زنانشویی فرم ۴۷ سؤالی اینریچ استفاده شده است. این پرسش‌نامه دارای ۴۷ جمله ساده است که با پنج گزینه پاسخ «کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم» در اختیار مادر آزمودنی‌ها قرار گرفته است به هر یک از گزینه‌ها از یک تا پنج نمره تعلق می‌گیرد.

حداقل نمره یعنی ۴۷ نشان‌دهنده رضایت کم و حداکثر نمره ۲۳۵ پرسش‌نامه نشان‌دهنده رضایت بالاست. ۴۷ سؤال یا گویه، میزان توافق زوجین را در زمینه باورهای مذهبی، امور مالی و تربیت فرزندان، رضایت روابط جنسی، رضایت خصوصیات شخصیتی و عادات شخصی همسر، روابط با خویشان و بستگان همسر و میزان ابراز عشق و محبت زوجین نسبت به یکدیگر را در روابط زنانشویی مورد بررسی قرار می‌دهد. نمره نهایی در کل پاسخ‌نامه نمره‌ای است که مادر آزمودنی از این پرسش‌نامه دریافت می‌کند. نمره‌گذاری این سؤال‌ها از نوع مقیاس لیکرت است.

اعتبار: ثنایی (۱۳۷۹) بررسی و بیان نموده است که پرسش‌نامه اینریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۴۱ تا ۶۰. همبستگی دارد و با مقیاس‌های رضایت زندگی دارای همبستگی ۰/۳۲ است که نشانه روایی سازه آن است (اسرار به نقل از تیموری، ۱۳۸۳ : ۲۹). روایی محتوایی آن هم توسط جمعی از اساتید روان‌شناس بررسی و تأیید شده است (میرخشتی، ۱۳۷۵ : ۴۱).

پایایی: سلیمانیان (۱۳۷۳) ضریب آلفای ۰/۹۵ را برای این پرسش‌نامه بر روی یک گروه ۱۱ نفری به‌دست آورد (صالحی فدوی، ۱۳۷۸ : ۳۵).

### پرسش‌نامه اندازه‌گیری سبک‌های فرزندپروری

این پرسش‌نامه دارای سی ماده است و ماده‌های آن به طور مساوی به سه مقیاس فرعی تقسیم شده‌اند پرسش‌نامه، توسط دروز و تی هن (۱۹۷۵) تنظیم گردیده و در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی شهید چمران اهواز توسط برومندنسب، ۱۳۷۲ و زیر نظر دکتر شکرکن و نجاریان ترجمه شده است. این پرسش‌نامه در واقع از آزمون ارزش‌یابی نگرش‌های والدین (PAS) که توسط شابین (۱۹۴۹) درست شده بود، اقتباس گردیده است. سؤال‌های ۱-۱۰، بُعد مسئولیت‌پذیری، سؤال‌های ۲۰-۱۰ بُعد سلطه‌گری و سؤال‌های دیگر بُعد سهل‌انگاری والدین را اندازه‌گیری می‌کند.

در این پژوهش از مادر خواسته می‌شود که هر ماده را در مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف رتبه‌بندی نماید.

اعتبار: برای اعتباریابی پرسش‌نامه از روش اعتباریابی همزمان که نوعی اعتباریابی پیش‌بین است، استفاده شده است؛ بدین ترتیب که برای هر یک از مقیاس‌های فرعی یک سؤال، شامل محتوای تمام سؤالات مقیاس، به عنوان ملاک تهیه گردیده، سپس ضریب همبستگی بین میانگین پاسخ سؤالات هر یک از مقیاس‌های فرعی با ملاک مربوطه محاسبه و به عنوان ضریب اعتبار محسوب شد (کفایت، ۱۳۷۳: ۴۲).

پایایی: در پژوهش برومندنسب (۱۳۷۶) به منظور سنجش پایایی از دو شیوه آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد. در روش تنصیف پایایی کل آزمون ۰/۶۷، سخت‌گرانه ۰/۴۴، مسئولیت‌پذیری ۰/۱۶، و سهل‌انگاری ۰/۱۲، به دست آمد. در روش آلفای کرونباخ پایایی کل آزمون ۰/۶۰، سخت‌گیرانه ۰/۴۷، مسئولیت‌پذیری ۰/۲۱، و سهل‌انگاری ۰/۲۷، به دست آمد. ضمناً ضرایب به دست آمده در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار شد (برومندنسب، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

### پرسش‌نامه اندازه‌گیری مشکلات رفتاری

برای ارزیابی مشکلات رفتاری کودکان از پرسش‌نامه رفتاری کودکان راتر (۱۹۶۷) استفاده شده است این پرسش‌نامه توسط یوسفی (۱۳۷۶) هنجاریابی شده است. پرسش‌نامه مورد نظر برای کودکان هفت تا سیزده ساله طراحی شده و دارای سی گویه است. برای نمره‌گذاری پاسخ‌ها، سه سطح پیشنهاد شده است بدین ترتیب که اگر عبارتی کاملاً در مورد کودک صدق کند، نمره دو، اگر تاحدی صدق کند نمره یک و اگر

اصلاً صدق نکند نمره صفر انتخاب می‌شود. بنابراین دامنه نمرات از صفر تا ۶۰ در نوسان است.

برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه از روش بازآزمایی استفاده گردید که ضریب حاصل برابر ۰/۹۰. به دست آمد.

برای سنجش روایی در مطالعه یوسفی (۱۳۷۶) از آزمون هوشی گودنیاف - هریس، آزمون بینایی حرکتی بندرگشتالت، معدل درسی، نمرات دروس اساسی در مقطع ابتدایی (مانند دروس دینی، ریاضی، املا و علوم و فارسی)، و ارزیابی معلم از پیشرفت تحصیلی، هوش و علاقه به درس دانش‌آموزان استفاده گردید که همبستگی بین نمره راتر و همه موارد فوق معنادار ( $p < .01$ ) بوده است (احدی، ۱۳۸۳: ۳۲).

### یافته‌ها

متغیرهای پژوهش، رضایت زناشویی، شیوه‌های فرزندپروری، مشکلات رفتاری، شیوه فرزندپروری مسئولیت‌پذیر، شیوه فرزندپروری سخت‌گیر و شیوه فرزندپروری سهل‌گیر است.

جدول ۱: شاخص‌های آماری رضایت زناشویی

مقدار	آماره
۱۳۸/۴	میانگین
۱۴۱	میانه
۱۳۶	نما
۲۸/۶	انحراف
۸۱۳/۸۸	واریانس
۱۴۲	دامنه
۲۱۰	بیشترین مقدار
۶۸	کمترین مقدار

جدول ۱، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه، بیشترین مقدار و کمترین مقدار را در نمره کل رضایت زناشویی نشان می‌دهد. توزیع تقریباً نرمال اما دارای پراکندگی نسبتاً زیادی است.

جدول ۲: شاخص‌های آماری مشکلات رفتاری

مقدار	آماره
۱۳/۰۶	میانگین
۱۱	میانه
۱۱	نما
۱۰/۳۵	انحراف
۱۰۷/۱۵	واریانس
۴۷	دامنه
۴۷	بیشترین مقدار
۰	کمترین مقدار

جدول ۲، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه، بیشترین مقدار و کمترین مقدار را در نمره کل مشکلات رفتاری نشان می‌دهد. توزیع، دارای کشیدگی مثبت است. به عبارت دیگر می‌توان گفت به نظر والدین، فرزندان، دارای مشکلات زیادی نبوده‌اند.

جدول ۳: شاخص‌های آماری شیوه‌های فرزندپروری

مقدار	آماره
۱۰۰	میانگین
۱۱۳	میانه
۱۱۶	نما
۹/۸۵	انحراف
۹۷	واریانس
۶۵	دامنه
۱۲۸	بیشترین مقدار
۶۳	کمترین مقدار

جدول ۳، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که والدین در ابعاد مختلف فرزندپروری صرف نظر از سه بعد آن، نمره‌ای در حد متوسط داشته‌اند.

جدول ۴: شاخص‌های آماری شیوه فرزندپروری مسئولیت پذیر

مقدار	آماره
۳۲/۱۶	میانگین
۳۲	میانه
۳۰	نما
۵/۶۳	انحراف
۳۱/۷۲	واریانس
۳۲	دامنه
۴۸	بیشترین مقدار
۱۶	کمترین مقدار

جدول ۴، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه، بیشترین مقدار و کمترین مقدار را در نمره کل شیوه‌های فرزندپروری مسئولیت‌پذیر نشان می‌دهد.

جدول ۵: شاخص‌های آماری شیوه فرزندپروری سخت‌گیر

مقدار	آماره
۳۳/۳	میانگین
۳۳/۵	میانه
۳۵	نما
۵/۹۳	انحراف
۳۵/۲	واریانس
۳۲	دامنه
۴۹	بیشترین مقدار
۱۷	کمترین مقدار

جدول ۵، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه، بیشترین مقدار و کمترین مقدار را در نمره کل شیوه فرزندپروری سخت‌گیر نشان می‌دهد.

جدول ۶: شاخص‌های آماری شیوه فرزندپروری سهل‌گیر

مقدار	آماره
۳۴/۵۴	میانگین
۳۴	میانه
۳۶	نما
۵/۵	انحراف
۳۰/۲۶	واریانس
۳۰	دامنه
۵۰	بیشترین مقدار
۲۰	کمترین مقدار

جدول ۶، مقادیر حاصل از تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، نما، انحراف معیار، واریانس، دامنه، بیشترین مقدار و کمترین مقدار را در نمره کل شیوه فرزندپروری سهل‌گیر نشان می‌دهد.

جدول ۷، رابطه رضایت زناشویی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رضایت زناشویی	۲۵۰	۴.۱۳۸	۵۲.۲۸	- /۸۷	۰/۰۰۰۱
مشکلات رفتاری	۲۵۰	۰۶.۱۳	۳۵.۱۰		

فرضیه ۱: بین نمره رضایت زناشویی والدین و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. به منظور بررسی فرضیه فوق از آمار توصیفی، و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بین میانگین نمرات رضایت زناشویی والدین و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه معنادار و معکوس در سطح ۰/۰۰۰۱ وجود دارد.

جدول ۸: مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین با توجه به مشکلات رفتاری فرزندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
مشکلات رفتاری کم	۱۴۹	۱۰۱/۱۵	۹/۷	۲/۲۷	۲۴۸	۰/۰۲
مشکلات رفتاری زیاد	۱۰۱	۹۸/۳۹	۹/۸			

فرضیه ۲: بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با توجه به میزان مشکلات رفتاری فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد. برای بررسی این فرض از آزمون t تست استفاده شد. جدول ۸ نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری در میزان مشکلات رفتاری، تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۲ ایجاد کرده است.

جدول ۹: رابطه میان فرزندپروری مسئولیت‌پذیر و مشکلات رفتاری فرزندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
فرزندپروری مسئولیت‌پذیر	۲۵۰	۳۳/۱۶	۵/۶	-۰/۲۲	۰/۰۰۰۱
مشکلات رفتاری	۲۵۰	۱۳/۰۶	۱۰/۳۵		

فرضیه سوم: بین نمره شیوه فرزندپروری مسئولیت‌پذیر و مشکلات رفتاری رابطه معکوس وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۹ نشان می‌دهد که بین شیوه فرزندپروری مسئولیت‌پذیر والدین و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه معنادار و معکوس در سطح ۰/۰۰۰۱ وجود دارد.

جدول ۱۰: رابطه میان فرزندپروری سخت‌گیر و مشکلات رفتاری

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شیوه فرزندپروری سخت‌گیر	۲۵۰	۳۳/۳	۵/۹	-۰/۱۸	۰/۰۰۵
مشکلات رفتاری	۲۵۰	۱۳/۰۶	۱۰/۳۵		

فرضیه چهارم: بین نمره شیوه فرزندپروری سخت‌گیر و مشکلات رفتاری رابطه مستقیم وجود دارد. نتیجه حاصل از ضریب همبستگی پیرسون طبق جدول ۱۰ نشان می‌دهد که بین فرزندپروری سخت‌گیر و مشکلات رفتاری رابطه معنادار و معکوس در سطح ۰/۰۰۵ وجود دارد.

جدول ۱۱: رابطه میان شیوه فرزندپروری سهل‌گیر و مشکلات رفتاری فرزندان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
شیوه فرزندپروری سهل‌گیر	۲۵۰	۳۴/۵۴	۵/۵	۰/۱۵	۰/۰۲
مشکلات رفتاری	۲۵۰	۱۳/۰۶	۱۰/۳۵		

فرضیه پنجم: بین نمره شیوه فرزندپروری سهل‌گیر والدین و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه، طبق جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بین فرزندپروری سهل‌گیر و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه معنادار و مثبتی در سطح ۰/۰۲ وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در مورد با فرضیه اول (بین رضایت زناشویی والدین و مشکلات رفتاری فرزندان رابطه معکوس وجود دارد) این فرضیه را تأیید کرد. این موضوع مؤید آن است که اختلاف زناشویی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط مستقیم دارد. برخی از پژوهشگران همانند دیویس و کامینک (۱۹۹۴) و بشر دوست (۱۳۷۳) معتقدند که کیفیت روابط زناشویی پیش‌بینی‌کننده قوی مشکلات رفتاری کودکان است. تعارضات و فشارهای روانی خانوادگی با خلق و خوی نوجوانان رابطه دارد.

نتایج بررسی فرضیه دوم (بین میزان مشکلات رفتاری فرزندان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین آن‌ها تفاوت وجود دارد) مؤید نتایج تحقیقات (بحرینی، ۱۳۷۹)، (صالحی فدردی، ۱۳۷۸)، (فولادفر، ۱۳۷۳) و بلوم و مهرابیان (۱۹۹۳) است. این یافته‌ها گویای این نکته است که بالا بودن میزان مشکلات رفتاری در خانواده‌های سرد و عاری از عشق و محبت دیده می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده تأثیر نوع سبک‌های فرزندپروری در میزان مشکلات رفتاری فرزندان است.

چنان‌که ملاحظه شد، بین میزان مشکلات رفتاری فرزندان و سبک‌های فرزندپروری مسئولانه والدین رابطه معکوس وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات هالاهان، مک کورد و زحمتکشان، همخوانی دارد. این تحقیقات بیانگر این نکته هستند که حمایت‌های خانواده باعث سازگاری بهتر در خصوص با مشکلات رفتاری، اجتماعی و تحصیلی می‌شود، بنابراین والدینی که در انتظارات خود از رفتار فرزندانشان مسئولانه

برخورد می‌کنند و در عین حال مهربان و گرم هستند و به عقاید فرزندشان احترام می‌گذارند، فرزندانی کارآمد و متکی به خود بار می‌آورند و مشکلات رفتاری در این فرزندان به ندرت دیده می‌شود.

علاوه بر این ملاحظه شد که بین میزان مشکلات رفتاری فرزندان و شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه والدین رابطه مستقیم و معنادار وجود ندارد. یافته‌های حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات پارکر، والترزو اسمیت، واترمن، زیگلن، مکارمی، کلانتری، زحمتکشان و دلاور هم‌خوانی ندارد. برای توجیه این فرض باید به مطالعات بومریند اشاره کرد که دریافت فرزندان والدین سخت‌گیر رفتار خوبی دارند اما ممکن است افسرده باشند؛ این افراد تمایل دارند عملکرد خوبی در مدرسه داشته باشند و خود را در رفتارهای مشکل‌آفرین درگیر نمی‌کنند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم که رابطه بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین و مشکلات رفتاری فرزندان را تأیید کرد با یافته‌های تحقیقات دیویس و کامینک (۱۹۹۴) زیگلن واترمن و فلاهرتی و مسترز (۲۰۰۰) هم‌سو است. به طور خلاصه براساس این پژوهش می‌توان گفت با توجه به این‌که والدین این فرزندان برخورد کلامی اندکی با فرزندان خود دارند و نسبت به انجام رفتارهای آن‌ها بی‌علاقه هستند، نرخ بزهکاری لکنت زبان، کناره‌گیری و دیگر مشکلات رفتاری در این گونه افراد، بالاست.

### پیشنهاد‌های کاربردی

برنامه‌ریزی‌های نهادهای آموزش و پرورش و رسانه‌های مختلف می‌تواند با استفاده از ارائه اطلاعات مفید و سازنده و استفاده از برنامه‌های جذاب در این مورد، اذهان والدین را به رفع این معضلات جامعه امروز که نهایتاً در نسل آینده نیز تأثیرگذار است، جلب نماید. این راهکار می‌تواند در ایجاد نسلی سالم و جامعه‌ای سالم و ایجاد فکریایی سالم مثمر‌تر باشد و بار اقتصادی و تربیتی جامعه را نیز بالا ببرد و به جای فکریایی آشفته، فکریایی خلاق و شکوفا ایجاد نماید.

## منابع

## الف) فارسی:

- احدی، بتول (۱۳۸۳). رضامندی زناشویی، ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان. مجله روان‌شناسی علمی - پژوهشی، سال هشتم، بهار ۱۳۸۳.
- برومندنسب، مسعود (۱۳۷۶). بررسی رابطه نگرش‌های فرزندپروری والدین و جایگاه مهار در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بحرینی، شهناز (۱۳۷۹). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سلامت روانی و هماهنگی مؤلفه‌های خودپنداشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد شیراز.
- بشردوست، سیمین (۱۳۷۳). تعارضات زندگی زناشویی و تأثیر آن در سازگاری نوجوانان مقطع راهنمایی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه رودهن، تابستان ۱۳۸۴.
- تیموری، زهرا (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین رضایت‌مندی شغلی با رضایت‌مندی زناشویی در پرستاران متأهل بیمارستان نمازی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد ارسنجان.
- تهمتن، کلثوم (۱۳۷۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهرستان فسا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
- توسلی، میترا (۱۳۸۴). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی شهر اصفهان. مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴.
- حیدری، گیتی (۱۳۶۹). روان‌شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان. نشر مؤلف، پاییز ۱۳۶۹.
- خواجه‌پور، مهناز (۱۳۸۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با توجه به حالات هویت و بررسی رابطه ابعاد این دو متغیر در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه شیراز. گزارش پژوهشی، شورای تحقیقات استان فارس.

- دهقانی، عبدالله (۱۳۷۹). مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری خودتنظیمی تحصیلی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی در درس‌های فارسی و ریاضی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.
- زحمتکشان، حمیرا (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سازگاری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهرستان فسا سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان.
- صالحی فدردی، محمد (۱۳۷۸). گزارشی از تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه‌های رضایت زناشویی بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. گزارش پژوهشی، شورای تحقیقات خراسان.
- علیزاده، حمید (۱۳۸۰). تعامل والدین - فرزند: تحول آسیب‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، زمستان ۱۳۸۰.
- فولادفر، فرهاد (۱۳۷۳). میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه. فصل‌نامه اندیشه و رفتار، سال دهم، تابستان ۱۳۸۳.
- کاشف نیا، معصومه (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه بهداشت روانی فرزندان در خانواده‌های گسسته و آشفته. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های تربیتی، سال اول، شماره ۱، دانشگاه بجنورد، زمستان ۱۳۸۳.
- کفایت، محمد (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزندپروری، خلاقیت و رابطه متغیر اخیر با هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفت‌گرای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های اهواز. گزارش پژوهشی، شورای تحقیقات آموزش و پرورش خوزستان.
- گلشن ابراهیمی، گلرخ (۱۳۵۹). خصوصیات روش‌های تربیت فرزند والدینی از دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهرستان شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد مرودشت.
- میرخشتی، فرشته (۱۳۷۵). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و سلامت روان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- نجاتی، حسین (۱۳۷۹). روان‌شناسی زناشویی. تهران، انتشارات مبتکران.

ب) لاتین:

- Ferrari, J. & Olivetti (1993). **Perception of Control & the Development Decision among Late Adolescent Families**. *Adolescence*, vol. 28, no, 112.
- Blum, J.S. & Mehrabian, A. (1999). **Personality and Temperament Correlation of Marital Satisfaction**. *Journal of Personality*, 67, 93-125.
- Bumrind D. (1973). **The Development of Instrumental Competence Through Socialization**. In A.D. Picked. University of Minnesota Symp, Simon Child Psychology, University of Minnesota Press.
- Davis & E.M. Cumming (1994). **Marital Conflict and Child Adjustment: An Emotional Security Hypothesis**. *Psychology Bulletin*. 116, 387-411.
- Flaherty, E.M. & G.L. Masters (2000). **Positive Adjustment in Parent Rearing Children with Down Syndrome**. *Early Education & Development*. 11, 4, 407-422.
- Peterson, J. & N. Zill (1986). **Marital Disruption, Parent-Child Relationships and Behavior Problems in Children**. *Journal of Marriage and the Family*, 48, 295-307.
- Sigelman, K. (1999). **Life Span Human Development**. Brooks Cole Publishing Company, U. S. A.